

بازتاب اصطلاحات و واژگان مهدوی در مشاهیر ادب داستانی معاصر*

منصور نیک‌پناه^۱

چکیده

ادبیات داستانی بهترین محمل برای بیان و انتقال ارزش‌های جامعه است. از این رو برای رصد نمودن میزان ساری و جاری بودن یک اندیشه فرهنگی در بین آحاد مردم بهترین دستاویز، مطالعه و بررسی ادبیات داستانی آن قوم است. توجه به آخرالزمان و اتفاقاتی که در آن دوران رقم می‌خورد، از قبیل: ظهور و قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه و شخصیت‌هایی همچون دجال، یمانی، نفس زکیه، و حوادثی که در عصر ظهور پیش می‌آید، می‌تواند بیانگر رواج تفکر انتظار و بسترسازی برای ظهور منجی باشد. در این مقاله، نویسنده به بررسی این مفاهیم در ادبیات داستانی معاصر پرداخته است. این بررسی برش تاریخی بعد از مشروطه تا دوران جنگ را در بر گرفته است. این پژوهش که به امهات آثار ادبیات داستانی دوران معاصر پرداخته است، با روش تحلیل محتوا از نوع توصیفی به نقد و بررسی موضوعات مدنظر پرداخته است. نتایج تحلیل و بررسی این آثار بیانگر خاموشی و فراموشی داستان‌نویسان از بسترسازی جامعه جهت ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه است.

واژگان کلیدی

ادبیات داستانی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، ظهور، دجال.

مقدمه

داستان همواره در تاریخ بشریت نقش به‌سزایی در پرکردن اوقات فراغت، بیان ارزش‌های فرهنگی، بیان خاطرات و تجارب، ثبت حوادث، فراگیری عقاید و... داشته و دارد. هیچ ملت و کشوری در هیچ دوره‌ای فارغ و بی‌بهره از این نعمت نبوده است. اصولاً با آفرینش انسان و زبان، داستان نیز چهره می‌نماید. مادران فرزندان‌شان را با قصه‌گویی آرامش و ادب و تربیت می‌دادند. آثار مکتوب بازمانده از نوع قصه و داستان به بیش از

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲

۱. استادیار مجتمع آموزش عالی سراوان و مدرس دانشگاه فرهنگیان زاهدان، ایران (m.nikpanah@yahoo.com).

چهار هزار سال قبل از میلاد برمی‌گردد (رستمی، ۱۳۹۴ ش: ۵). در اعصار مختلف، مللی را شاهدیم که حفظ و به خاطر سپردن داستان‌ها را امری واجب می‌شمردند (نصیری اشرفی، ۱۳۷۳ ش: ۴۶). خدواند برای بیان عقاید و رویکردهای مذهبی از داستان استفاده می‌نماید؛ مانند: «إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران: ۶۲) که در باب حضرت مسیح عليه السلام آمده است و «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» (نازعات: ۱۵-۱۷). پادشاهان و بزرگان داستان را جزیی از زندگی خود قلمداد می‌کردند «شاه اسکندر، روزگار خویش را بخشیده بود به چهار قسم: سحرگاه تا به چاشتگاه فراخ به عادت بردرگاه خدای تعالی بودی؛ و از چاشتگاه تا نماز پیش به داد و عدل مشغول بودی، نماز پیش تا نماز شام، به طعام خوردن مشغول بودی و در شب، محدثان دفتر خواندندی و سیرملوک و اخبار پیغمبران و پادشاهان گفتندی تا پاره‌ای از شب برفتی» (عبدالکافی، ۱۳۴۴ ش: ۱۶۵). تکنولوژی جدید علی‌رغم این که مراجعه افراد را به کتابخانه‌ها و آثار مکتوب فیزیکی کم‌رنگ نموده است اما از اهمیت داستان نکاسته است. داستان‌نویسان با بیان یکسری عقاید در آثارشان زمینه ترویج و اشاعه آن افکار را در جامعه فراهم می‌سازند. چنین اصلی را می‌توان در آثار داستان‌پردازان شهیری همچون: چخوف^۱ و داستایوسکی^۲ ردیابی نمود. یعنی؛ به جامعه در حال تحول می‌توان فکر و ایده مورد نظر را وارد، تثبیت و فراگیر نمود.

مملکت ما قبل از اسلام با تفکر منجی و آخرالزمان آشنا بوده و در آثار و افکار ادیبانی همچون: زرتشتی، مهرپرستی، مانوی و... با ظهور منجیانی از قبیل: سوشیانت، مهر، خرد شهرایزد و... برمی‌خوریم (ر.ک: جینور لنگرودی، ۱۳۸۸؛ شاکری زواردهی، ۱۳۸۸). آئین اسلام نه تنها این فلسفه را نفی نکرد بلکه آن را تقویت، اصلاح و تکمیل نمود و در چهارچوب دکترینی مدون و مشخص ارائه نمود (ر.ک: صدر، ۱۳۸۶). از آن روزگاران

۱. آنتوان چخوف (Anton Chekov) داستان‌نویس، نمایشنامه‌نویس برجسته روس است. شهرت چخوف در ایران بیشتر به خاطر نمایشنامه‌ها و داستان‌های کوتاه است. چخوف تا پیش از مرگش بیش از ۷۰۰ اثر ادبی نوشت که این تعداد نشان‌دهنده قلم شگفت‌انگیز و توانای او در ادبیات است.

۲. فیودور میخایلوویچ داستایفسکی (Fyodor Mikhailovich Dostoevsky) یا داستایوسکی؛ زاده ۱۱ نوامبر ۱۸۲۱ - درگذشته ۹ فوریه ۱۸۸۱ نویسنده مشهور و تأثیرگذار اهل روسیه بود.

تاکنون تفکر ظهور منجی آخرالزمان در افکار و اندیشه ایرانیان با شدت و ضعف وجود داشته است. از آن جایی که ظهور منجی با بسترسازی، فضا سازی و زمینه سازی منتظران ممکن است، لذا باید همه افراد برای ایجاد این بستر تلاش کنند. از جمله این ابزار ادبیات داستانی است که نقش پررنگی برای این هدف می تواند ایفا نماید. درحقیقت، نویسندۀ رئالیست به نمایش دوباره بخشی از جهان واقعیت و نسخه برداری از آن می پردازد؛ به گونه ای که حتی انسان های این داستان ها نیز همان انسان های واقعی هستند که در جهان داستان بازنویسی شده اند. نویسندۀ رئالیست «شخصیت ها را به گونه ای معرفی می کند که خواننده بتواند آنها را به سهولت در مخیله خود تصور کند» (پاینده، ۱۳۸۹ ش: ۴۵).

در این پژوهش برآن هستیم تا از منظر بسترسازی آثار ادبی جهت ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این موضوع پردازیم. برای نیل به این هدف، از منظر بسامدی و تکرارپذیری به فراوانی واژگان مرتبط با ظهور و آخرالزمان در آثار برجسته ادبیات معاصر پرداخته شده است. علیرغم این که آثار متعدد داستانی در ادبیات فارسی وجود دارد این تعداد از آثار داستانی برگزیده شد و بازتاب اصطلاحات مورد نظر در یک یک آنها مورد نقد و تحلیل قرار گرفت. این پژوهش توصیفی و تحلیل محتوی با موضوعات فوق الذکرا بررسی، مطالعه، فیش برداری، تنظیم و تدوین نموده است. این تحقیق به روش کتابخانه ای انجام شده است. جمع آوری داده ها به روش اسنادی است و برای انتخاب نمونه پژوهش از شیوه نمونه گیری هدفمند استفاده گردید. در راستای این پژوهش تحقیقاتی به انجام رسیده است؛ همچون مسلم ذوالفقارخانی (۱۳۹۷) مقاله ای با عنوان بررسی تطبیقی مولفه های ادبیات آپوکالیپسی^۱ (آخرالزمانی) در «سفر» احمد شاملو و «بازگشت دیگر» ویلیام باتلر بیتس به موضوع آخرالزمان پرداخته است. یا منصور نیک پناه (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان بازتاب مؤلفه های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شعر وحشی بافقی منتشر کرده است. همچنین منصور نیک پناه (۱۳۹۶) در مقاله نگاه امیدوار اقبال به عنایت ائمه و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این موضوع پرداخته است. اما از منظر مورد نظر ما در این پژوهش هیچ تحقیق صورت نگرفته است و در نوع خود منحصر

1. Apocalyptic Literature

به فرد است.

بازتاب ظهور در آثار داستانی

زمان ظهور و عصر آخرالزمان وقت به بار نشستن انتظار انسان‌های مشتاق عدالت و به بار نشستن امید است. این وقت، وقت مقدس، عصر ظهور است. بررسی آثار مورد نظر را با سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ شروع می‌نمائیم. زین العابدین مراغه‌ای کتاب سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ را به عنوان یکی از آثار پیشگام در ادبیات داستانی معاصربه رشته تحریر کشیده است. در یکی دو مورد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه اشاره نموده است. از جمله: یوسف گفت که برای ظهور حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه و خیلی علامت‌ها نوشتند و خوانده‌ایم (مراغه‌ای، ۱۳۹۳ ش: ۱۳۴).

در جای دیگر این اثر هم آمده است:

قانونی که مشتمل بر احکام الهی باشد نیست مگر در حضور مبارک حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه (همان: ۲۲۸).

یکی از آثار پیشگام در زمینه ادبیات داستانی به ویژه داستان کوتاه «یکی بود یکی نبود» جمال‌زاده است که در واقع این اثر را تاریخ ولادت داستان کوتاه در ادبیات فارسی می‌دانند. از قضا در این اثر اشاراتی به موضوع آخرالزمان و مهدویت دیده می‌شود. از جمله:

«دیگر این زن سبیل داری که در *آخرالزمان* از بالای بام هاون به سر *حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه* می‌زند یا یکی از همین مردهای بی‌ریش سبیل چخماقی خواهد بود یا یکی از این سلیطه‌های سبیل‌دار که خدا تخم‌شان را از روی زمین براندازد» (جمال‌زاده، ۱۳۲۰ ش: ۴۱). آنچه در این قسمت داستان به نقل از شخص عامی بیان شده است در هیچ یک از آثار مربوط به ظهور و علائم ظهور ذکر نشده و قطعاً از عقائد خرافی روزگار نویسنده است. از قضا این اثر از آثاری است که بازتاب زندگی کوچه و بازار است. مجموعه‌ی یکی بود یکی نبود محمدعلی جمال‌زاده شامل شش داستان است، با نام‌های: فارسی شکر است، رجل سیاسی، دوستی خاله خرسه، درددل ملا قربان‌علی، بیله دیگ بیله چغندر و ویلان‌الدوله. این مجموعه‌ی داستانی به جامعه‌ای می‌ماند که انسان‌های آن، اقشار مختلف این جامعه را تشکیل می‌دهند. «شخصیت‌های داستان‌ها بیشتر مردم

کوچه و بازارند. بسیاری از داستان‌های نویسندگان براساس تضاد شخصیت‌ها و رفتار آنان شکل می‌گیرد...» (دهباشی، ۱۳۷۷ش: ۴۱۴).

در جای دیگر اشاره می‌نماید: «فراقش چون غیبت صغری بود» (همان: ۸۵). همچنین: خلاصه مثل «دجال» گویا هر موی تنش زبانی داشت و از همین تعارف‌های هزار تا یک قاز قالب می‌زد» (جمال زاده، ۱۳۲۰ش: ۹۱). البته در روایات و نقل قول‌های عمومی اشاره به خرد دجال و آوازهایی که از موی این خربرمی خیزد شده است.

در روایات ما را به شدت از فتنه دجال در آخر الزمان بر حذر داشته‌اند (ترمذی، ۱۳۹۹ق: باب ماجاء فی الدجال، ۴۲). به هر تقدیر، یکی از نشانه‌های دجال که در بعضی روایات ذکر شده این است که همراه او یک الاغ (مرکب) سفید تندرویی است که هر گام او یک میل است و به سرعت زمین را طی می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸ش: ۱۷۵). قابل ذکر است که آیت‌الله مکارم شیرازی پس از ذکر این نشانه‌ها براساس روایتی از بحار الانوار که از زبان حضرت علی علیه السلام نقل می‌کند، معتقد است این نشانه‌ها به صورت سمبلیک و نمادین است. به هر حال، آنچه را نمی‌توان در آن تردید کرد این است که هنگام فراهم شدن زمینه‌های انقلاب، در هر جامعه‌ای که باشد، افراد فریبکاری که در واقع پاسدار نظام‌های فاسد و فرسوده‌اند برای نگاهداری وضع موجود، و بهره‌برداری از زمینه‌های فکری و اجتماعی مردم به نفع اهداف نادرست خود، دست به تزویر و حيله‌گری می‌زنند، و حتی شعارهای انقلابی می‌دهند، و این یکی از بزرگ‌ترین موانع راه اصلاح و انقلاب راستین است.

اینها دجالانی هستند که همه پیامبران، ائمت خویش را از آنها بر حذر داشتند و نسبت به نقشه‌های فریبنده آنها هشدار دادند. می‌گویند از هر موی الاغ دجال، آوازی به گوش می‌رسد و آن آوازه‌ها باعث جذب شدن مردم سست، ایمان و ناپرهیزکار می‌شود و اصل او از اصفهان یا بجنستان یا خراسان نشان داده‌اند (الهامی، ۱۳۷۶ش: ۳۲۳). درباره سیمای ظاهری دجال در منابع، روایت‌های گوناگونی وجود دارد (ابن بابویه، ۱۳۹۰ق: ۴۹۱-۴۹۰؛ هدایت، ۱۳۴۲ش: ۶۴؛ عسکری عالم، ۱۳۸۷ش: ج ۲، ۱۷۸؛ کریستن سن، ۱۳۵۵ش: ۱۳۱-۱۳۰).

جمال زاده در کتاب *سروته یک کرباس با تنوع بیشتری* به امام زمان علیه السلام اشاره می‌کند. از آن جایی که چند بار به حضرت اشاره می‌کند فقط القابی که از ایشان می‌آورد، عبارتند از:

«قائم، منصور، مخلوق ممتاز این عالم، یار باوفا، انسان بی نظیر، نجات دهنده انسان‌ها، مهدی، ناصر، سید، انسان خارق العاده و... شیخ بی نظیر» (جمال زاده، ۱۳۸۱ ش: ۶۲). چنان‌که اشاره شد داستان‌های جمال زاده بازتاب مملوس از زندگی روزمره مردم عادی ایران است. لذا جلوه واژه‌ها و عباراتی که مرتبط با ظهور است بیشتر دیده می‌شود که این بیانگر عجین بودن زندگی ایرانیان با مباحث مرتبط با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتظار فرج است. در عین حال خود نویسنده؛ یعنی جمال زاده از خانواده سادات و معتقد ایرانی است.

کتاب سه‌تار اثر جلال آل احمد ضمن این‌که نویسنده از پیشگامان ادبیات داستانی معاصر ایران است در عین حال این اثرش هم از آثار مهم نویسنده و ادبیات فارسی محسوب می‌گردد (میرزایی، ۱۳۸۲ ش: ۱۱). این اثر که با ریاکاری به ویژه در حوزه دین مبارزه می‌کند علی‌رغم تم آئینی هیچ اشاره‌ای به موضوعات مورد بررسی ما ننموده است (آل احمد، ۱۳۹۸ ش: ۱۲).

اما در زمان دید و بازدید یکبار از امام زمان علیه السلام نام می‌برد. «علیک سلام ننه جون - عیدت مبارک - صدسال به این سال‌ها زیر سایه امام زمون، کربلای معلای، نجف اشرف» (آل احمد، ۱۳۹۰ ش: ۱۱). این تنها کاربرد مورد نظر در این اثر است. نوع نگاه جلال آل احمد به مبانی فکری و اعتقادی اسلامی بیانگر عدم دغدغه نویسنده نسبت به عصر ظهور و بسترسازی جامعه برای در پیش گرفتن وظایف منتظران است. چنان‌که در آثاری مانند سنگی برگور و مدیر مدرسه که از قضا با طیف دانش‌آموز سرو کار دارد، هیچ نشانی از این عقاید یافت نمی‌شود. اما هرازگاهی که از زبان شخصیت‌های داستان نقل قول می‌کند، بُن‌مایه‌های عمیق مردم عادی را می‌توان در آثارش رصد نمود.

جایگاه صادق هدایت در ادبیات داستانی معاصر به عنوان معروف‌ترین و تأثیرگذارترین داستان‌پرداز معاصر مورد اعتراف همگان است. یکی از آثار معروف و در واقع معروف‌ترین اثرشان *بوف کور* است. «از بوف کور به عنوان یکی از بهترین رمان‌های قرن بیستم یاد می‌شود» (دردا، Barnes & Noble).

در این اثر نیز اثری از اصطلاحات مورد نظریافت نمی‌گردد. در باب آینده و آینده‌نگری به صورت کلی اشاره گردیده است که اشاره به آینده خاص مدنظر ما در این پژوهش نیست. این اشارات کلی در شش مورد در صفحات مختلف (۳۶، ۲۰، ۱۲، ۹، ۷، ۶) دیده

می شود. در اثر دیگر هدایت با نام *سگ ولگرد* هم هیچ موردی را نمی توان یافت. صادق هدایت در کتاب *سه قطره خون* به بعضی از مضامین دینی همچون زیارت و کربلا اشاره می نماید ولی از مضامین مورد نظر پژوهش سخنی به میان نیاورده است.

جای تعجب نیست که در آثار هدایت مسایل مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آینده و آخرالزمان در آن دیده نمی شود. «فضای محدودکننده اجتماعی، سایه ای بلند بر آثار او افکند و حس بدبینی و عدم اعتماد به نفس وی را شدت بخشید. تعجب آور نیست که تقریباً اغلب داستان های کوتاه او یا با مرگ و یا با خودکشی شخصیت اصلی داستان به پایان می رسند و به ندرت احساساتی جز نومیذی، حیرت فلسفی و تشویش روحی، روانی مطرح می گردند. نوع تفکر و شیوه داستان سرایی او تأثیری پابرجا بر سایر نویسندگان ایرانی گذاشت» (میرصادقی، ۱۳۸۲ ش: ۹۴-۹۵).

بیشتر شخصیت های داستان های هدایت انسان های ناامید و تنهایی هستند که همواره آرزوی نیستی را در سر می پروراندند؛ در حقیقت هدایت، «گریزان از اشرافیت طبقه خود، و بیزار از فرومایگی اقدار عامی جامعه، دستخوش تضاد درونی بود. سرانجام پیوند این کشمکش روحی با نگرش فلاسفه و متفکران پوچ گرای اروپا، نفرت و نومیذی را شالوده آثار او ساخت» (روزبه، ۱۳۸۸ ش: ۶۴).

در کتاب احمد محمود با عنوان *زمین سوخته* که یک برهه تاریخی مشخص را به تصویر می کشد و عکس العمل نویسنده به مرگ برادرش و جنگی است که کشورش را به مخاطره انداخته است. بیشتر به گزارش می ماند تا رمان، هیچ واژه و عبارتی که دال بر آینده نگری، آخرالزمان و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، نیامده است.

همین نویسنده در اثر دیگرش با عنوان *مدار صفر درجه*، به یک خانواده فقیر جنوبی می پردازد. پدر باران فوت کرده و او ناچار دست از کار کشیده و شاگرد سلمانی شده است. خواهرش بلقیس و شوهرش نوذر نیز با آنها زندگی می کنند و بچه دار نمی شوند... در این اثر از موضوعات مورد نظر هیچ نکته ای دیده نمی شود.

احمد محمود در *رمان همسایه ها* که از آثار فاخر ادبیات معاصر است و به حوادث قبل از انقلاب و ملی شدن نفت می پردازد فارغ از مضامین مورد نظر است و فقط چهار بار واژه امام را به کار برده است که سه بار اصطلاح عام است و یک بار برای امام جعفر صادق علیه السلام استعمال کرده است.

یکی از رمان‌های معروف معاصر ادبیات ایران، کتاب *چشم‌هایم* اثر بزرگ علوی است. در پهنه داستان خوف و ناامیدی تهران موج می‌زند - که در همان آغاز داستان مشهود است (خادمی زاده، ۱۴۰۰ش: ۸۴). «اگرچه در داستان، درباره شهر خفقان گرفته تهران و خودکامگی دوره بیست ساله پهلوی زیاد سخن رفته است؛ اما جو عاشقانه و رمانتیک‌گونه شگرفی بر سراسر آن سایه افکنده است» (الشکری، ۱۳۸۶ش: ۴۷۹). در این اثر هم هیچ اشاره‌ای به آخرالزمان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور، انتظار... نگردیده است. با عنایت به نگاه ویژه نویسنده به جامعه مورد نظرش، طبیعی است که این نویسنده به مبانی آخرالزمان توجه ننماید.

این نویسنده در اثر دیگری با عنوان ورق پاره‌های زندان فقط یک بار به درون مایه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره کرده است:

یک روز گفت به وسیله رادیو لندن به من خبر رسیده است که حضرت صاحب الزمان ظهور کرده و عن قریب به زندان خواهد آمد (علوی، ۱۳۹۲ش: ۶۰).

قاعدتاً همین نویسنده که در توصیف تهران فضای یاس را ترسیم می‌کند، در محدوده زندان و تنگنای ناشی از آن، چشم به راه منجی و رهایی بخش هستند. بزرگ علوی در کتاب دیگرش با عنوان *چمدان* که مجموعه چند داستان است، علی‌رغم اشارات پراکنده به موضوعات مذهبی، به مضامین مورد نظر در این پژوهش هیچ اشاره‌ای نکرده است. تهران مخوف نگارش مرتضی مشفق کاشانی اولین بار در تابستان سال ۱۳۰۱ به صورت پاورقی در روزنامه ستاره ایران چاپ و با اقبال عمومی مواجه شد. این کتاب جزو اولین رمان‌های اجتماعی با نگاهی انتقادی است. در این اثر هم نشانی از آخرالزمان، ظهور، انتظار و... دیده نمی‌شود؛ اگر به آینده هم می‌پردازد، بیشتر متوجه آینده کلی و در حد اصطلاح است؛ مانند: «در آن ورقه شخص اول مملکت خود بی‌لیاقتی و عدم کفایت زمامداران گذشته را تأیید کرده و مردم را به آینده خوش و سعادت مندی امیدوار ساخته بود» (مشفق کاشانی، ۱۳۰۵ش: ۱۱۲).

محمد افغانی با داستان معروفش شوهر آهو خانم شهرتی به هم زد. در این اثر سه بار به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دو بار به آخرالزمان اشاره شده است. یک بار هم دجال (افغانی، ۱۳۳۸ش: ۴۴۸) در این کتاب دیده شد. در این داستان ذکر شده است:

هنوز آن سالی که با بیچارگی رفتند و دو هفته تمام در مسجد «آمد مهدی» بست

نشستند، فراموش نکردیم (افغانی، ۱۳۳۸ ش: ۷).

یکی از نکات مهم این عبارت نام‌گذاری مسجد است، آن هم به نام «آمد مهدی» که در نوع خود جالب و بیانگر فرهنگ انتظار و اشتیاق مردم آن روزگار به فرج است. در جایی دیگرهما خانم نگران برداشتن حجاب از سرزنان و نهادن کلاه پهلوی بر سرشان، سید میران می‌گوید:

معلوم است چطور خواهد شد. همه اینها نشانه، آخرالزمان است و باید بشود. باید زن‌ها و مردها از حیث وضع ظاهر و همچنین اخلاق باطن مثل هم بشوند. باید حجب و حیا از چشم‌ها و برکت از کار و زندگی برود. باید شهرها چنان‌که امروز می‌بینی با آهن به هم وصل بشود. کلمه لاله‌الاله از میان برود و به جای تابوت دل‌یجان توی کار بیاید. بدبینی و فسق و فجور و از همه بالاتر کفر و ظلم روی زمین را بگیرد تا آن حضرت پا به حلقه رکاب بگذارد. فرمایش امام است و هیچ برو و برگرد ندارد که باید بشود دیر یا زود خواهد شد (افغانی، ۱۳۳۸ ش: ۲۱۱-۲۱۲).

و در روایات اسلامی وضعیت عصر متصل به ظهور تشریح شده و آنچه از زبان سید میران نقل شده در منابع اسلامی قابل مشاهده است. «خونریزی‌های بسیار، رواج گناهان گوناگون و غربت دین و دینداران و نیز پدیده‌هایی چون ظهور حضرت عیسی ع‌ج و آمدن دجال و خروج یاجوج و ماجوج. در ضمن بیان این نشانه‌ها، حضرت این را هم فرموده‌اند که در آن هنگام باران بسیار می‌بارد، اما گیاهان و نباتات کم می‌رویند» (حسن بن محمد دیلمی، ۱۳۷۶ ش: ج ۱، ۱۷۷). «آلودگی بسیاری از مردمان به انواع گناهان و معصیت‌ها، از دیگر ویژگی‌هایی است که در حدیث‌های معصومان ع‌ج برای روزگار آخرالزمان برشمرده شده است» (طوسی، ۱۳۸۸ ق: ج ۱، ۴۵۷).

طوفان‌های سهمگین گناه و بلا آن چنان در آخرالزمان دنیا و اهلش را درمی‌نوردد، که آدمی برای حفظ دین و ایمان خویش ناگزیر است، سخت‌ترین شرایط تجربه کند. برای توصیف این شرایط جانکاه، کلامی رساتر از این سخن پیغامبر اکرم ص نخواهد بود. حضرت فرموده‌اند که:

زمانی خواهد آمد که صبرکننده بر دین چون نگهدار آتش است در دست (طبرسی، ۱۳۶۵ ش: ج ۲، ۴۲۴).

امام جعفر صادق ع‌ج نیز در روایتی که شیخ طوسی رحم‌الله‌علیه آن را در کتاب غیبت نقل کرده،

درباره سختی های دینداری در آخرالزمان و پیش از ظهور حضرت منجی فرموده اند که: هرکس در آن زمان بخواهد متمسک به دینش باشد و دینش را حفظ کند، مانند کسی است که بخواهد شاخه پُراز خار قَتَاد^۱ را با دستش بتراشد. سپس فرمودند: برای صاحب این امر [یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه] غیبتی است [که بسیار سخت و طولانی است]، پس بنده خدا باید خداترس بوده، در آن زمان متمسک به دینش جسته، از آن کمک بخواهد (همان: ۷۶۸).

بعضی از شرایط جوامع در آخرالزمان «زیاد شدن هرج و مرج و سست شدن ایمان مردم» (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۴ق: ۴۰-۴۱) «از بین رفتن حیا در زنان و کودکان» (قمی، ۱۳۸۷ق: ج ۲، ۳۰۷) «نوشیدن شراب و پوشیدن لباس های حریر» (خزاعی مروزی، بی تا: ۶۳) «اطاعت مرد از همسر خویش، بزرگ شمردن مال دنیا» (قمی، ۱۳۸۷ق: ج ۲، ۳۰۷). امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَّاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ مِنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٍ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحْلَاتٍ لِلْمُحَرَّمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ؛

در آخرالزمان و نزدیک شدن رستاخیز که بدترین زمان ها است، زنانی آشکار می شوند که برهنه و لخت هستند؛ زینت های خود را آشکار می سازند، به فتنه ها داخل می شوند و به سوی خواسته های نفسانی و شهوت ها می گرایند. به لذت ها می شتابند، حرام های الهی را حلال می شمارند و در جهنم جاودانه خواهند بود.

باز از زبان آن حضرت گفته می شود:

دوستی و برادری! دوستی و برادری! گمان می کنم در دوره آخرالزمان معنی کلمات هم عوض می شود (افغانی، ۱۳۳۸ش: ۸۱۳).

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

... وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَلَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِنْ فُجُورٍ أَوْ بَحْسٍ مِثَالٍ أَوْ مِيزَانٍ أَوْ غَشِيَانٍ حَرَامٍ أَوْ شُرْبِ مُسْكِرٍ كَثِيباً حَزِيناً (کلینی، ۱۳۶۴ش: ج ۱، ۵۸-۵۹)؛
... مرد را می بینی هنگامی که یک روز بر او گذشته و گناه بزرگی انجام نداده است از قبیل فحشا، کم فروشی، کلاهبرداری و یا نوشیدن مست کننده ها، غمگین و

۱. قَتَاد نام گیاهی است دارای خارهای تیز فراوان که در فارسی آن را گون گویند.

اندوهگین می‌شود.

در کتاب *جای خالی سلوچ* اثر محمود دولت‌آبادی که از آثار فاخر ادبیات داستانی معاصر است، هیچ اسمی از امام زمان علیه السلام و اسامی مرتبط با آن برده نشده است. تنها دو بار به صورت کنایه‌ای به آخرالزمان اشاره شده است که ربطی به آخرالزمان واقعی و حوادثی که در آن زمان پیش می‌آید، نیست و ندارد. حتی از واژه‌های پس از مرگ نیز به ندرت استفاده شده است تا جایی که از اصطلاح قیامت دو بار و یک بار بهشت و بار دیگر جهنم به کار گرفته شده است. در کل این اثر غرق در حوادث و رویدادهای زمان خود است و در حین روایت و نقل قول‌ها به کلامی در راستای موارد مورد نظر نمی‌خوریم.

کتاب *روزگار سپری شده مردم سالخورده* از محمود دولت‌آبادی شامل سه مجموعه «اقلیم باد»، «برزخ خس» و «پایان جغد» با بازگو کردن دو نسل، نسلی در روستا و نسلی در شهر به بیان ماجراهای افرادی می‌پردازد که سالخورده و فرتوت‌اند و اینک با یادآوری سالیان گذشته خود خاطرات دور سرگذشت‌شان را به یاد می‌آورند. در این اثر تنها نشانی که به نوعی با موضوع مورد نظارتباط دارد، فردی به نام قائم است که آنهم اسم خاص یک شخص است و ارتباطی با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الیه ندارد.

عباس معروفی در اثر برجسته خود به نام *سمفونی مردگان* به ذکر قصه شخصیت‌هایی می‌پردازد که با مرگ دمخور هستند. شخصیت‌هایی همچون: ایدا، ایدینو و... ولی از موضوعاتی که مرتبط با آخرالزمان است، نشانی در این اثر نیست.

پیکر فرهاد اثر دیگر شناخته شده عباس معروفی روایت یک زن به نام «رالف اشپنلر-تاگ اشپیگل» است. در این اثر نیز هیچ موردی از موضوعات مورد بررسی دیده نشد.

هوشنگ گلشیری در داستان *بروگم شده* که به نقد و بررسی وضعیت چندین دوست و حوادث آنها می‌پردازد نیز نشانی از موارد مدنظر دیده نشد.

کتاب *آخرین دیدار* اثر سید سعید موسوی، محتوای کلی کتاب در مورد یادنامه شهید محمد صدیق رجایی که در افغانستان به دنیا آمده بود ولی با سفر کردن به ایران به فکر جهاد در سوریه برای دفاع از حرم و جنگیدن با تکفیری‌ها افتاده بود و در سوریه به شهادت رسید... و منظور از آخرین دیدار هم دیدار خواهرش قبل از شهادت بود که سی سال از او دور بوده است. این کتاب دیدگاه فرزندان و دیگر آشنایان شهید رجایی را نسبت به زندگی و اخلاق و کردار ایشان بیان می‌کند... این کتاب که به نوعی اثر آئینی و اعتقادی به

حساب می‌آید، با اصطلاحات و واژگان مورد نظر ما بیگانه است و اثری در آن دیده نشد. کتاب *بی‌بال پریدن* اثر قیصر امین‌پور شاعر و نویسنده فقید معاصر است که به حوادث انقلاب می‌پردازد. در این اثر هم ردپایی از موضوعات مورد نظر پیدا نشد.

کتاب *سلام بر ابراهیم* که از آثار ادبیات مقاومت تلقی می‌گردد در جای جای صفحاتش ذکری از امام زمان علیه السلام و ظهور دارد، از جمله: جوانی مسلمان از دیار خوبان ایران، پهلوانی غیور ولی بی‌ادعا و یاری راستین از نگار پرده‌نشین مهدی موعود وَجَاءَ الْمَوْجِبُ آماده می‌شود (گروه فرهنگی ابراهیم هادی، ۱۳۹۴ ش: ۱۵). یا دستور ولایت را فرمان امام می‌دانند. همه باید به دستورات اون آقا عمل کنند چون مثل دستورات امام زمانه (همان: ۱۶). انتظار در کتاب جاری است: ابراهیم هادی از دوران کودکی عشق و ارادت خاصی به امام خمینی رحمته الله علیه داشت. پیروی از حق جهت آماده شدن برای جامعه مهدویت (همان: ۵۴). صبح پیروزی انقلاب رادیو اشاره دارد به پیروزی حق بر علیه باطل. آمادگی جامعه برای پذیرفتن امام زمان علیه السلام (همان: ۵۵). و باز در جای دیگری می‌گوید: بین راه با خودم گفتم این هم هدیه ما برای امام زمان علیه السلام (همان: ۱۰۷).

کتاب *گردان چهار نغز* نگارش احمد دهقان از آثار ادبیات جنگ و مقاومت است. علیرغم این که این رمان از شهادت و مبارزه لبریز است اما از مضامینی که مرتبط با آخرالزمان در آن نشانی دیده نمی‌شود.

علی مودنی در کتاب *ملاقات در شب آفتابی* از آثار دوران دفاع مقدس به موضوعات مرتبط با شهادت و جهاد و مبارزه اشاره دارد ولی از مضامین مرتبط با پژوهش موردی نمی‌توان یافت.

اسماعیل فصیح در کتاب *زمستان ۶۲* به موضوعات مرتبط با دفاع مقدس پرداخته است و در جای جای اثرش از امام زمان علیه السلام یاد می‌کند. از جمله: «پرچم‌ها تک و توک پرچم سه رنگ ملی ایران اند بیشترشان سرخ و یکدست یا سیاه یکدست یا سبز یکدست است که در وسط شان یا شعار نوشته شده یا الله اکبر یا لا اله الا الله و یا مهدی... (فصیح، ۱۳۹۴ ش: ۲۵۴). باز در جای دیگری می‌آورد:

وقتی بنده را از محل اصابت به پشت جبهه می‌بردند و دو برادر پاسدار مرا روی برانکارد می‌آوردند ناگهان یک خمپاره ۱۲۰ در نزدیکی دو متری ما فرود آمد آن روز عجیب‌ترین خاطره من است یکی از برادران خمپاره دید و با صدای بلند فریاد زد یا

مهدی» بخواست و امداد غیبی یاری کرد. خمپاره افتاد و عمل نکرد (همان: ۳۵۰).

در ذکر صلوات می‌گوید: «ادریس می‌گوید: به خاطر امام زمان عجل الله تعالی فرجه و آتیه و نائب برحقش صلوات دوم ختم کنید» (همان: ۳۵۹). در وصیت‌نامه ادریس نوشته شده است: «الهی می‌خواهم مردنم بی‌ثمر نباشد بلکه می‌خواهم شهادتم به پیروزی اسلام و امت مسلمانان و برقراری حکومت عدل در سراسر جهان به رهبری امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و آتیه کمک کند...» (همان: ۴۶۵).

فاطمه منجزی در *مسافر کوچه‌های عاشقی* که از رمان‌های رمانتیک معاصر (از دواج دختری ایرانی به صورت غیابی با پسر آمریکایی) به حساب می‌آید، هیچ اشاره‌ای به موضوعات مرتبط با آخرالزمان ننموده است.

یوزپلنگانی که با من دویده‌اند نگارش بیژن نجدی در ای ده داستان است. این داستان‌ها با بُن‌مایه مرگ، واکنش افراد را در برابر مرگ را نشان می‌دهد؛ ولی موضوعات مرتبط با پژوهش در آن درج نشده است.

جدول بسامدی مباحث آخرالزمانی در ادبیات داستانی معاصر

ردیف	اسم کتاب	مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه و آتیه</small>	منجزی	آخرالزمان	ظهور	القب و اسامی دیگر	دجال	علام ظهور	موارد دیگر	جمع
۱	کتاب امداد	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲	سیاحت‌نامه لیاظیر بیک	-	-	-	-	۲	-	-	-	۲
۳	یکس بود یکی نبود	-	-	۱	-	۱	۱	-	۱	۴
۴	سرو و یک کریس	۱	-	-	-	۱۱	-	-	-	۱۲
۵	بلخ و شیرین	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۶	سه‌زار	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۷	سنگی و گریز	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۸	مدیر مدرسه	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۹	بوف	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۰	سه نظریه خن	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۱	زمین سوخته	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۲	مدار سفر درجه	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۳	حساب‌ها	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۴	چشمتایش	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۵	وقایع‌یادها در آن	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۶	چمدان	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۷	بهران بخوف	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۱۸	شوهرا لقمه خاکی	۲	-	۲	-	-	۱	-	-	۶
۱۹	جانی خالی سراج	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۰	روزگار سبزی شده مردم مانع‌نورده	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۱	سقف‌سوزی برزگان	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۲	پیکر فرخنده	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۳	بره‌گر شده	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۴	آخرین نوبت	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۵	بسی‌بال پنهان	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۶	ساز بر ابراهیم	۲	-	۳	-	-	-	-	-	۵
۲۷	گردان چهارنعل	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۸	ملاقات در شب مهتاب	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲۹	زمستان ۶۱	۲	-	۱	-	-	-	-	-	۴
۳۰	مسافر کوچه‌های عاشقی	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۳۱	یوزپلنگانی که با من دویده‌اند	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۳۲	جمع	۹	-	۷	-	۱۴	۲	-	۱	۲۳

نتیجه‌گیری

با بررسی آثار منتخب ادبیات داستانی معاصر که مشتی از خروار و اندکی از بسیار است نتایج چندان امیدوارکننده‌ای حاصل نگردید. ماحصل بررسی‌ها بیانگر آن است که در آثار متقدمان دوره مورد نظر، اشارات معدود و انگشت شمار است. آن هم به صورت کلی و بیشتر الفاظ عمومی رایج است. شاید محمدعلی جمال‌زاده و آثارش با صبغه پررنگ‌تری به این ماجرا پرداخته باشد. در آثار دوران انقلاب و دفاع مقدس هم اتفاقات چشمگیری رخ نداده است. البته در این مورد آثاری که در مورد دفاع مقدس نوشته شده بعضاً به نام حضرت، ظهور حضرت، زمینه‌سازی جهت ظهور و... و مواردی از این دست اشاره کرده‌اند. ولی به صورت کلی به شرایط ظهور، وظایف منتظران، بسترسازی قیام، علائم ظهور و... هیچ اثری نپرداخته است. دلایلی را می‌توان برای این امر برشمرد. از جمله: این آثار هیچ‌کدام تخصصی به موضوع آخرالزمان و مهدویت نپرداخته و عموماً خود نویسندگان هم صاحب نظر در این موارد نبوده‌اند. فضای عمومی جامعه در همین اواخر، بستری برای پرداختن به این موضوعات را هم نکرده و استقبال هم نمی‌شد. اکثر نویسندگان ما مصرف‌کننده الگوبردار از نمونه‌ها خارجی بوده‌اند و سعی کرده‌اند با همان فضاها، داستان‌های خودشان را پیش ببرند. خیلی از آنها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم دانش‌آموخته و متأثر از غرب بوده یا در همان جا به امر نویسندگی اشتغال داشته‌اند. نویسندگان فضاهایی که در آن بوی انتظار و بستر امیدآفرینی موج بزند را تجربه نکرده‌اند. جامعه آن زمان چنین مواردی را از نویسندگان انتظار نداشته است. مذاق ناشران و حامیان مالی چنین موضوعاتی نبوده است. اگرچه به نظر می‌رسد ادبیات دوران دفاع مقدس و بعد از آن فضای انتظار و بسترسازی ظهور را دگرگون می‌نماید که خود نیاز به پژوهشی مستقل دارد.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۰ق)، *کمال‌الدین و تمام النعمه*، به کوشش: محمد مهدی موسوی خراسان، نجف: حیدریه.
۲. ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۱۴۰۸ق)، *النهاية في الفتن والملاحم*، بیروت: دارالجيل.

۳. ابی البرکات، عبدالکافی بن (۱۳۴۴ش)، *اسکندرنامه*، به کوشش: ایرج افشار، تهران: نشر چشمه، دوم.
۴. افغانی، محمد (۱۳۳۸ش)، *شوهرا هو خانم*، تهران: امیرکبیر، پنجم.
۵. امین پور، قیصر (۱۳۸۷ش)، *بی بال پریدن*، تهران: افق، یازدهم.
۶. آل احمد، جلال (۱۳۶۰ش)، *سنگی برگوری*، تهران: انتشارات وراق، اول.
۷. آل احمد، جلال (۱۳۹۰ش)، *دید و بازدید*، تهران: نیاز فردا، اول.
۸. آل احمد، جلال (۱۳۹۸ش)، *سه تار*، تهران: جامه داران، هفتم.
۹. پاینده، حسین (۱۳۸۹ش)، *داستان کوتاه در ایران: داستان های رئالیستی و ناتورالیستی*، تهران: نیلوفر.
۱۰. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۹ق)، *ترجمه فارسی جامع صحیح ترمذی*، به کوشش: محمدرضا رخشانی، بی جا: نشر مؤسسه انتشاراتی حسینی اصل.
۱۱. جمال زاده، محمد علی (۱۳۲۰ش)، *یکی بود یکی نبود*، تهران: بنگاه پروین.
۱۲. جمال زاده، محمد علی (۱۳۸۱ش)، *سرو ته یک کرباس*، تهران: سخن، اول.
۱۳. جمال زاده، محمد علی (۱۳۹۱ش)، *تلخ و شیرین*، تهران: سخن، چهارم.
۱۴. جینور لنگرودی، نصیر (۱۳۸۸ش)، *مصلح موعود در ادیان*، قم: مبین اندیشه، اول.
۱۵. خادمی اراده، سعیده (۱۴۰۰ش)، «زن و جدال رمانتیسیم و رئالیسم در رمان چشم هایش بزرگ علوی»، *فصل نامه علمی تخصصی زبان فارسی*، سال چهارم، شماره هشتم.
۱۶. خزاعی مروزی، نعیم بن حماد (۱۴۱۸ق)، *الفتن*، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول.
۱۷. دردا، مایکل، سایت: Barnes & Noble مترجم: سایت نقد روز.
۱۸. دولت آبادی، محمود (۱۳۶۹ش)، *روزگار سپری شده مردم سالخورده*، تهران: نشر چشمه، اول.
۱۹. دولت آبادی، محمود (۱۳۶۱ش)، *جالی خالی سلوچ*، تهران: نشر نو، دوم.
۲۰. دهقان، احمد (۱۳۹۶ش)، *گردان چهار نفره*، تهران: ناشر کتاب نیستان، اول.
۲۱. دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۷۶ش)، *ارشاد القلوب*، ترجمه: علی سلگی، قم: انتشارات ناصر.
۲۲. رستمی، محسن (۱۳۹۴ش)، «جستاری بر شاهنامه خوانی، نقالی و قصه پردازی

- در ایران»، فصل نامه تاریخ نو، سال دوازدهم.
۲۳. روزبه، محمدرضا (۱۳۸۸ش)، ادبیات معاصر ایران (نثر)، تهران: روزگار، چهارم.
۲۴. شاکری زوردهی، روح الله (۱۳۸۸ش)، منجی در ادیان، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، اول.
۲۵. الشکری، فدوی (۱۳۸۶ش)، واقع گرایی در ادبیات داستانی معاصر، تهران: نگاه.
۲۶. صدر، صدرالدین (۱۳۸۶ش)، المهدی، به اهتمام: باقر خسرو شاهی، قم: بوستان کتاب، سوم.
۲۷. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۶۵ش)، مکارم الاخلاق، ترجمه: سید ابراهیم میرباقری، تهران: فراهانی.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۸ق)، امالی، ترجمه: صادق حسن زاده، قم: اندیشه هادی.
۲۹. عسکری عالم، علی مردان (۱۳۸۷ش)، فرهنگ عامه لرستان، خرم آباد: افلاک.
۳۰. علوی، بزرگ (۱۳۸۱ش)، چمدان، تهران: نگاه، پنجم.
۳۱. علوی، بزرگ (۱۳۹۲ش)، ورق پاره های زندان، تهران: نگاه، سوم.
۳۲. علوی، بزرگ (۱۳۹۵ش)، چشم هایش، تهران: نگاه.
۳۳. فصیح، اسماعیل (۱۳۹۴ش)، زمستان ۶۲، تهران: ذهن برتر.
۳۴. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۸۷ق)، تفسیر، قم: دارالکتاب.
۳۵. کریستن سن، آرتور (۱۳۵۵ش)، آفرینش زیانکار در روایات ایرانی، ترجمه: احمد طباطبایی، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۴ش)، التوضیة من الکافی، ترجمه: هاشم رسولی محلاتی، تهران: علمیه اسلامیة.
۳۷. گروه فرهنگی ابراهیم هادی (۱۳۹۴ش)، سلام بر ابراهیم، تهران: انتشارات ابراهیم هادی، اول.
۳۸. گلشیری، هوشنگ (۱۳۵۶ش)، بروگم شده، تهران: زمان، اول.
۳۹. محمود، احمد (۱۳۵۷ش)، همسایه ها، تهران: امیرکبیر، چهارم.
۴۰. محمود، احمد (۱۳۷۲ش)، مدار صفر درجه، تهران: مهارت، اول.
۴۱. محمود، احمد (۱۳۹۴ش)، زمین سوخته، تهران: معین، هجدهم.

۴۲. مشفق کاشانی، مرتضی (۱۳۰۵ش)، *تهران مخوف*، تهران: ارغنون، اول.
۴۳. معروفی، عباس (۱۳۸۰ش)، *سمفونی مردگان*، تهران: ققنوس.
۴۴. معروفی، عباس (۱۳۸۶ش)، *پیکر فرهاد*، تهران: ققنوس، ششم.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸ش)، *حکومت جهانی حضرت مهدی، قم: نسل جوان*.
۴۶. منجزی، فاطمه (۱۳۹۴ش)، *مسافر کوچه‌های عاشقی*، تهران: هودین، اول.
۴۷. موذنی، علی (۱۳۷۸ش)، *ملاقات در شب مهتابی*، تهران: قدیانی، سوم.
۴۸. موسوی، سید سعید (۱۳۹۶ش)، *آخرین دیدار، مشهد: انتشارات بوی شهر بهشت*.
۴۹. میرزایی، حسین (۱۳۸۲ش)، *جلال اهل قلم*، تهران: نشر سروش.
۵۰. میرصادقی، جمال (۱۳۸۲ش)، *زاویه دید در داستان*، تهران: سخن.
۵۱. نجدی، بیژن (۱۳۷۸ش)، *یوز پلنگانی که با من دویده‌اند*، تهران: نشر مرکز، دوم.
۵۲. نصیری اشرفی، جهانگیر (۱۳۸۳ش)، «نقالی پیشینه هنر شفاهی»، *مقام موسیقایی*، دوره تازه.
۵۳. الهامی، داوود (۱۳۷۶ش)، *آخرین امید*، قم: مکتب اسلام، دوم.
۵۴. هدایت، صادق (۱۳۴۲ش)، *نیرنگستان*، تهران: امیرکبیر.
۵۵. هدایت، صادق (۱۳۴۲ش)، *سگ ولگرد*، تهران: امیرکبیر، هفتم.
۵۶. هدایت، صادق (۱۳۹۸ش)، *سه قطره خون*، تهران: جامه‌دران، سوم.